

Violent crimes and cultural development: A look at the role of cultural development in the rate of violent crimes in the provinces of Iran

Sadegh jahanbakhshganjeh^{*1}, Sahar jahnakhshganjeh²

¹ PhD in Sociology - Cultural Policy

² Assistant professor and faculty member of Yasouj University



10.22080/SOD.2024.26103.1017

Date Received:

29 September 2023

Date of sent to Review:

05 October 2023

Date Revised:

26 February 2023

Date Accepted:

14 April 2024

Keywords:

cultural development, inequality, violent crimes, Province

Abstract

Every society, whether it is advanced and developed or simple and undeveloped, exhibits more or less common manifestations of inequality in the conditions of social life. Therefore, lack of cultural resources, especially cultural development in the society, is one of the important factors in the formation of social harms. Therefore, the purpose of this article is to investigate the relationship between inequality in cultural development and the amount of violent crimes among the provinces of the country. The method of this research is secondary analysis which was done using statistics. Based on this, the desired information was collected and analyzed with the help of spss software and pls structural equations. The findings of the research showed that there is a significant relationship between inequality in cultural development and the amount of violent crimes, so that the greater the inequality in cultural development, the higher the amount of violent crimes. The results show that the inequality in cultural development in each of the country's provinces can increase the amount of violent crimes. Therefore, the independent variable of the research explains a total of 43% of the changes in the dependent variable (violent crimes) among the provinces of Iran.

* **Corresponding Author:** Sadegh jahanbakhshganjeh

Address: yasuj

Email: S.jahanbakhsh68@gmail.com

جرائم خشن و توسعه فرهنگی: نگاهی به نقش توسعه فرهنگی در میزان جرائم خشن در استان‌های ایران

صادق جهانبخش گنجه^{۱*}، سحرجهانبخش گنجه^۲

۱ دکتری جامعه‌شناسی- سیاستگذاری فرهنگی
۲ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه یاسوج



10.22080/SOD.2024.26103.1017

چکیده

هر جامعه‌ای خواه پیشرفته و توسعه‌یافته باشد و خواه ساده و توسعه‌نیافته، جلوه‌های کم‌وبیش مشترکی از نابرابری در شرایط زندگی اجتماعی را به نمایش می‌گذارد. لذا عدم برخورداری سطح وسیعی از مردم از منابع فرهنگی، به‌خصوص توسعه فرهنگی در جامعه، از جمله عوامل مهم در شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی به‌شمار می‌رود. بنابراین هدف این مقاله بررسی رابطه بین نابرابری در توسعه فرهنگی و میزان جرائم خشن در بین استان‌های کشور است. روش این پژوهش، تحلیل ثانویه است که با استفاده از آمارها به انجام رسید. بر اساس این، اطلاعات مورد نظر، گردآوری و با کمک نرم‌افزار SPSS و معادلات ساختاری PLS داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین نابرابری در توسعه فرهنگی و میزان جرائم خشن، رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ به گونه‌ای که هرچه نابرابری در توسعه فرهنگی بیشتر باشد، میزان جرائم خشن نیز افزایش می‌یابد. نتایج نشان‌دهنده این امر است که نابرابری در توسعه فرهنگی در هر یک از استان‌های کشور می‌تواند میزان جرائم خشن را افزایش دهد. بر اساس این، متغیر مستقل تحقیق در مجموع ۴۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته (جرائم خشن) را در بین استان‌های ایران تبیین می‌کند.

تاریخ دریافت:

۰۷ مهر ۱۴۰۲

تاریخ ارسال به داوری:

۱۳ مهر ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح:

۰۷ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش:

۲۶ فروردین ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

توسعه فرهنگی؛ نابرابری؛ جرائم خشن؛ استان.

* نویسنده مسؤل: صادق جهانبخش گنجه
آدرس: یاسوج بلوار باهنر

ایمیل: S.jahanbakhsh68@gmail.com

مقدمه

از پایان جنگ جهانی دوم به این سو، توسعه به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل در محافل دانشگاهی و برنامه‌ریزی کشوری مطرح بوده، به نحوی که در دهه پایان قرن بیستم، اغلب کشورها به بازنگری وضعیت خود در این باره پرداخته‌اند. اگرچه بحث درباره فرهنگ از دیرباز در جهان سابقه داشته، ولی بررسی آن با دیدگاه فرهنگی در دهه‌های اخیر شروع شده و اولین بار در یونسکو بحث فرهنگ و توسعه مطرح شد (عطافر و آفاسی، ۱۳۹۱: ۱۱۲). با این حال گرایش‌های جدید در افکار جامعه بین‌المللی درباره فرهنگ منجر به پیدایش مفاهیم جدیدی همچون، توسعه فرهنگی، هویت فرهنگی و کنش یا اشاعه فرهنگی شده است و حتی توافقی بین‌المللی را برانگیخته است که سیاست فرهنگی دیگر نباید به معنای سیاست حمایت از هنرهای زیبا یا حفظ میراث فرهنگی باشد و اینکه هر سیاست فرهنگی باید بتواند جنبه اساسی یک سیاست فراگیر توسعه و در واقع مرکز و کانون توسعه را نشان دهند (باقری میاب، ۱۳۸۱: ۳۵). چراکه همه مکاتب بشری و نظام‌های سیاسی، اندیشه توسعه را به عنوان تلاش برای تعالی جامعه پذیرفته‌اند و هیچ جامعه و نظامی نیست که بخواهد و یا بتواند از سطح معین و ثابتی از فرهنگ مادی و غیرمادی متوقف شود (رشیدپور و آفاسی، ۱۳۹۰: ۱۳۲). از این رو در مورد اثر فرهنگ بر توسعه می‌توان به ایجاد دارایی‌های زیادی از قبیل مهارت‌ها و محصولات فرهنگی اشاره نمود که در ارتقای رفاه جامعه اثر بسزایی دارد. کاهش نابرابری در بهره‌مندی از منابع، دست-آورد‌ها و امکانات جامعه، یکی از مهم‌ترین معیارهای اساسی توسعه به شمار می‌رود، علاوه بر آن مفهوم توسعه، جدای از رشد در همه جهات، توزیع متعادل را نیز دربرمی‌گیرد (سرابی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶). بنابراین طی دهه گذشته، اندیشه و عمل توسعه شاهد یک چرخش فرهنگی بوده است. این چرخش حتی به قدری در سطح جهانی بازتاب داشته که سازمان یونسکو، دهه پایانی سده ۲۰ میلادی را به عنوان «دهه جهانی توسعه فرهنگی»، و ۲۱ ماه مه میلادی را به عنوان روز جهانی توسعه فرهنگی اعلام نموده است (حبیب‌پور گتاپی و غفاری، ۱۳۹۰: ۷۷). از این رو اندیشه توسعه فرهنگی به عنوان موضوع سیاست ملی، به ویژه در چارچوب نظام سازمان ملل، از حدود سال ۱۹۵۰ قوت گرفته و رواج یافت. طی دهه ۶۰-۱۹۵۰ که به دهه ساله اول توسعه شهرت یافته است، تحول پر معنایی روی داد و مفهوم توسعه، گسترش، تنوع و عمق یافت. در دهه ۷۰-۱۹۶۰ در کشورهای اروپایی مفاهیم و اصطلاحات جدیدی در عرصه فرهنگ وضع و به تدریج مرسوم شد که از مهم‌ترین آن‌ها «توسعه فرهنگی و سیاست فرهنگی» است (تقوایی و قائدرحمتی، ۱۳۸۵: ۱۱۸). به عبارتی در سند کنفرانس جهانی مکزیکو آمده است که توسعه متوازن تنها در صورتی تضمین می‌شود که بتوان عوامل فرهنگی را به صورت جزء پیوسته برنامه‌های راهبردی طراحی و این برنامه‌های راهبردی را با توجه به بستر تاریخی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه تعریف کرد. از این رو در مرحله برنامه‌ریزی، باید عوامل

فرهنگی را به حساب آورد، خواه به صورت عوامل محدودکننده که از شتاب توسعه می‌کاهند یا به عنوان عواملی که موجبات دگرگونی و تغییر اجتماعی را فراهم می‌آورند (احمدی شاپورآبادی، ۱۳۸۸: ۹۰). بر اساس این، امروزه رسیدن به توسعه همه‌جانبه و پایدار، دغدغه اصلی کشورها و دولت‌هایشان است. از آنجاکه انسان موجودی فرهنگی است، زیربنای توسعه حقیقی و پایدار، دستیابی به توسعه فرهنگی است. توسعه فرهنگی عبارت است از: دگرگونی که از طریق تراکم برگشت‌ناپذیر عناصر فرهنگی در یک جامعه معین صورت می‌پذیرد و بر اثر آن، جامعه، کنترل مؤثرتری را بر محیط طبیعی و اجتماعی اعمال می‌کند (وثوقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۲).

از طرفی دیگر با توجه به روندهای توسعه، فرض کردن رابطه بین توسعه و خشونت پدیده‌ای جدید نیست، بلکه پیشینه آن به قرن نوزدهم برمی‌گردد. اما از دهه ۱۹۹۰ به بعد پرداختن به مسأله خشونت در مطالعات توسعه‌ای اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. این امر بیشتر ناشی از مشاهده تمرکز جرم و خشونت در کشورهای جنوب است؛ به طوری که بیشترین میزان خشونت (بر اساس میزان قربانیان) در قاره آفریقا و به دنبالش آمریکای لاتین دیده شد. از این رو، در سال‌های اخیر، موضوع جرائم خشن، کانون توجه بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی قرار گرفته است (زارع و زندی لک، ۱۳۹۰: ۹۹). بر اساس شواهد، در بسیاری از جوامع، عدم توجه هم‌زمان، یک اندازه و هماهنگ به ابعاد مختلف توسعه‌یافتگی است که باعث بروز جرم می‌شود. به عنوان مثال افزایش نرخ رشد اقتصادی (توسعه اقتصادی) بدون توجه به توزیع عادلانه درآمدها (توسعه اجتماعی) باعث افزایش جرم در جامعه می‌گردد و یا افزایش سطح سواد و آموزش (توسعه فرهنگی) بدون ایجاد اشتغال (توسعه اقتصادی و اجتماعی) بستر عبور از قانون را فراهم می‌کند (خدایرسر مشهدی و غفوری ساداتیه، ۱۳۹۳: ۳۰). از طرفی بر اساس پژوهش‌های انجام گرفته، در مناطقی که بسترهای ارتکاب جرم-انحراف فراهم بوده و میزان آن در حال رشد است، توسعه با آهنگ آهسته‌ای در حرکت است (وثوقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۸). از این رو خشونت به عنوان پدیده‌ای نامطلوب، اذهان صاحب‌نظران و افکار عمومی را به خود مشغول داشته است. بر اساس این جرائم خشونت‌آمیز از آن قسم مسائلی است که حساسیت خاصی را در جامعه برمی‌انگیزد؛ چراکه بروز رفتارهای خشونت‌آمیز همانند؛ چاقوکشی، نزاع درگیری، تجاوز به عنف، قتل و ... جامعه را دچار تشنج می‌کند و این تشنج و اختلال، باعث می‌شود تا انسان‌ها به شدت احساس ناامنی کنند. لذا در میان آسیب‌های اجتماعی، جرائم خشن اگرچه از نظر کمی درصد کم‌تری را به خود اختصاص داده است، به دلیل برجای گذاشتن هزینه‌های روحی و روانی، اجتماعی و اقتصادی سنگین و طولانی‌مدت و همچنین به خاطر به خطر انداختن امنیت اجتماعی بسیار بااهمیت است (زارع و زندی لک، ۱۳۹۰: ۱۰۰). به عبارتی هر جامعه‌ای خواه پیشرفته و توسعه‌یافته باشد و خواه ساده و توسعه‌نیافته، جلوه‌های کم‌وبیش مشترکی

فرهنگ غربی به توسعه برسند، می‌توان با فرهنگ‌های مختلف به توسعه رسید (وثوقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۲). شواهد تجربی دهه ۱۹۶۰ میلادی نشان می‌دهد که جرم یک نتیجه اجتناب‌ناپذیر توسعه‌یافتگی است؛ زیرا معنای توسعه تا این زمان تک‌بعدی و به معنای رشد اقتصادی بدون توجه به عوامل مهمی نظیر توزیع عادلانه درآمد (توسعه اجتماعی) شکل می‌گرفت اما شواهد در دهه حاضر بیانگر آن است که در بسیاری از کشورها، توسعه‌یافتگی، توأم با کاهش جرم بوده است (رودریگو، ۲۰۰۴). بنابراین با توجه به اینکه در ایران تاکنون تحقیقی در زمینه توسعه فرهنگی و ارتباط آن با جرائم خشن صورت نگرفته است، مشخص کردن این رابطه در درجه اول برای سیاست‌گذاران چه در سطح کشوری و چه در سطح استانی حائز اهمیت فراوانی است که در این مورد می‌توان از میزان جرائم خشن کاست و به تبع آن راه توسعه و به‌خصوص توسعه فرهنگی در استان‌های کشور هموارتر شود. لذا درک و شناخت میزان توسعه‌یافتگی استان‌های کشور موجب شناخت نقاط قوت و ضعف آن‌ها می‌شود و راه را برای برنامه‌ریزان این امر هموار می‌کند.

ادبیات پژوهش

پیشینه پژوهش

شواهد تجربی در رابطه با تفاوت‌های تعیین‌کننده بین منطقه-ای در آمار جرائم، اساساً بر روی اثرات نابرابری و توسعه متمرکز است. در این قسمت سعی در مرور تجربی ادبیات تحقیق و بحث در زمینه این متغیرها را برای غنای بیشتر مباحث نظری مورد بررسی قرار می‌دهیم.

جدول ۱ و ۲ نتایج چندین مطالعه را نشان می‌دهند، این مطالعات در تلاش بودند به ترتیب اثرات نابرابری و توسعه بر آمار جرم و جنایت بررسی کنند. این جداول نه به دنبال مرور جامع همه شواهد در دسترس‌اند و نه به دنبال توصیف و شرح مفصل تکنیک‌ها و استراتژی‌های اتخاذشده در مقالات مختلف‌اند. در عوض، هدف آن‌ها ارائه دیدگاهی گسترده از نتایج کلی به‌دست آمده است.

جدول ۱. خلاصه‌ای از تحقیقات انجام‌شده درباره اثر نابرابری بر میزان جرائم خشن

مطالعه	ابعاد تجزیه و تحلیل	نوع جرم	نتایج
دانیگر و ویلر (۱۹۷۵)	داده‌های ملی ایالات متحده / سری‌های زمانی	ارتکاب سرقت (داده‌های رسمی)	اثر قابل توجهی ندارد.
		تجاوز (حمله)	اثر قابل توجهی ندارد.
		سرقت (راه زنی، غارت-گری)	اثر مثبت
جاکوبز (۱۹۸۱)	سطح مقطعی	ارتکاب سرقت (داده‌های رسمی)	اثر مثبت
		دزدی بزرگ	اثر مثبت
		سرقت (راه زنی، غارتگری)	اثر مثبت
مسنر (۱۹۸۲)	سطح مقطعی	قتل (داده‌های رسمی)	اثر قابل توجهی ندارد.

از نابرابری در شرایط زندگی اجتماعی را به نمایش می‌گذارد. بر اساس این شاید بتوان گفت یکی از علت‌های جرائم و به‌خصوص جرائم خشن نابرابری در سطوح فرهنگی و به‌نوعی توسعه فرهنگی در جامعه باشد. بنابراین برخی شکل‌های توسعه ممکن است منجر به افزایش نابرابری‌های میان مناطق شوند نمی‌توان توسعه را به‌عنوان مفهومی بی‌طرف دید زیرا با نابرابری-های قدرت در سطح محلی، ملی و جهانی گره‌خورده است (یوسفوند و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۶). بنابراین نابرابری توسعه فرهنگی در سطح استان‌های کشور می‌تواند موجب تمایزات بین استان‌ها شود و این باعث می‌شود که در برخی از استان‌ها میزان جرائم خشن با توجه به کمبود امکانات فرهنگی بیشتر باشد. از این رو این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا ارتباط معنی‌داری بین توسعه فرهنگی و جرم در کشور ایران وجود دارد؟ به عبارت دیگر آیا نابرابری در توسعه فرهنگی موجب افزایش جرم می‌شود؟ لذا بر اساس این هدف این پژوهش بررسی رابطه بین نابرابری در توسعه فرهنگی و میزان جرائم خشن‌آمیز در بین استان‌های کشور است.

ضرورت و اهمیت پژوهش

رفتارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که در نهادهای یک جامعه تثبیت شده‌اند، نقش عظیمی در فرآیند توسعه آن جامعه ایفا می‌کنند. این رفتارها نشأت گرفته از نگرش‌ها و ارزش‌های فرهنگی جامعه هستند. پس می‌توان گفت نگرش‌ها و ارزش‌ها کلید فهم توسعه یا توسعه‌نیافتگی جامعه به حساب می‌آیند (راد، ۱۳۸۲: ۷۶). توسعه فرهنگی بعد از فرآیند توسعه است، لیکن فرهنگ در تمامی جنبه‌های زندگی انسان‌ها به‌طور آشکار و پنهان حضور دارد. بنابراین می‌توان نقش برجسته‌ای برای آن در فرآیند توسعه قائل شد (همان: ۶۸). از طرفی توسعه می‌بایست جامع باشد. یعنی در همه ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باشد. توسعه می‌بایست ریشه فرهنگی داشته باشد، نرم‌افزارهای توسعه جامع که بخشی از آن توسعه فرهنگی است، خود باید فرهنگی باشد. یعنی ریشه در هویت دینی، تاریخی فرهنگ، زیست جهان و عقبه داشته باشد. نوع زیست جهانی که مردم ما در مناطق مختلف دارند، سرشار از قابلیت و امکان است. قرار نیست کشورها فقط با یک

اثر مثبت	ارتکاب سرقت (داده‌های رسمی)	شهرهای ایالات متحده / سطح مقطعی	کارول و جکسون (۱۹۸۳)
اثر مثبت	سرقت (راه زنی، غارتگری)		
اثر مثبت	جنایت علیه شخص	شهرستان‌های ایالات متحده / سطح مقطعی	کیلی (۲۰۰۰)
اثر مثبت	جرایم خشونت آمیز (داده‌های رسمی)		
اثر قابل توجهی ندارد.	سرقت اموال		
اثر مثبت	تجاوز (حمله)		
اثر مثبت	سرقت (راه‌زنی)		
اثر قابل توجهی ندارد.	آدم کشی		
اثر منفی	تجاوز به عنف		
اثر مثبت	ارتکاب سرقت		
اثر قابل توجهی ندارد.	سرقت		
اثر قابل توجهی ندارد.	جرم ماشینی		
اثر مثبت / هرچه نابرابری بیشتر جرم و جنایت بالاتر	انواع جرایم	انگلستان	بنویت دی کورسون و دانیل نتل (۲۰۲۱)
اثر مثبت / نابرابری بالاتر با نرخ بالاتر جرم مرتبط است	انواع جرم	اندونزی	سوگیه‌ارتی و همکاران (۲۰۲۳)
رابطه مثبت و معنی‌دار	انواع جرم	ایران	انصاری سامانی و روزیهانی (۱۳۹۸)

ماخذ: رودریگو ۲۰۰۴ و بررسی نگارندگان

جدول ۲. خلاصه‌ای از تحقیقات انجام شده درباره اثر توسعه بر میزان جرائم خشن

مطالعه	ابعاد تجزیه و تحلیل	نوع جرم	نتایج
هریس (۱۹۷۶)	شهرهای ایالات متحده / سطح مقطعی	سرقت	اثر قابل توجهی ندارد.
		حمله شدید (خشن)	اثر منفی
		ارتکاب سرقت	اثر قابل توجهی ندارد.
مک‌دونالد (۱۹۷۶)	کشورها / سطح مقطعی	سرقت خودرو	اثر قابل توجهی ندارد.
		جرایم نوجوانان (داده‌های رسمی)	اثر مثبت
		دزدی	اثر مثبت
		اموال	اثر مثبت
		مجموع جرم	اثر مثبت
کوهن (۱۹۷۸)	کشورها / سطح مقطعی	آدم کشی	اثر منفی
		قتل (داده‌های رسمی)	اثر منفی
		سرقت اموال	اثر مثبت
دیگر (۱۹۸۰)	شهرهای آمریکا / سطح مقطعی	مجموع جرم	اثر مثبت
		جرایم خشن (داده‌های رسمی)	اثر منفی
مسر (۱۹۸۳)	سطح مقطعی	جرایم خشن (پیمایش قربانیان)	اثر مثبت
		قتل (داده‌های رسمی)	اثر منفی
لوفتینم و پارکر (۱۹۸۵)		مجموع جرم	اثر منفی

جرم خانوادگی	شهرستان‌های ایالات متحده / سطح مقطعی	اثر منفی
جرایم اولیه دیگر		اثر منفی
قتل		اثر منفی
سرقت (داده‌های پیمایش قربانی)	محله‌های ایالات متحده/پانل	اثر منفی
جرایم شخصی		اثر منفی
سرقت (داده‌های پیمایش قربانی)	محله‌های ایالات متحده/سطح مقطعی	اثر قابل توجهی ندارد.
جرایم خشن		اثر منفی
سرقت (داده‌های رسمی)	داده‌های ملی ایالات متحده / سری‌های زمانی	اثر مثبت
ارتکاب سرقت		اثر مثبت
سرقت خودرو		اثر مثبت
قتل (داده‌های رسمی)	کشورها/ پانل	اثر قابل توجهی ندارد.
سرقت (راه زنی)		اثر قابل توجهی ندارد.
انواع جرم	ایران / روش اسنادی	رابطه معنادار میان توسعه و جرم (تقابل جرم و توسعه)
انواع جرم	چین / گفتمان	رابطه مثبت/جرم یک عمل فرهنگی است
انواع جرم	ایران / روش گشتاورهای تعمیم یافته	رابطه مثبت بین شاخص‌های توسعه فرهنگی و جرم رابطه مثبت بین عدم تحقق توسعه اجتماعی با میزان ارتکاب جرم رابطه منفی و معنادار بین شاخص‌های اقتصادی توسعه و میزان جرم
انواع جرم	ایران / روش اسنادی	رابطه مثبت بین نقش فرهنگ و جرم
سرقت	ایران/کل استان‌ها	رابطه منفی و معنادار بین رشد اقتصادی و میزان جرم
سرقت	ایران / توصیفی تحلیلی	رابطه معکوس سرقت با توسعه اجتماعی و فرهنگی

مأخذ: رودریگو، ۲۰۰۴ و پترسون، 1991 و بررسی نگارندگان

مبانی نظری

با توجه به ماهیت این پژوهش در این جا از چند نوع نظریه استفاده شده است. به همین دلیل الگوی نظری این پژوهش تلفیقی است. در وهله اول به بحث توسعه و روندهای آن پرداخته می‌شود. در وهله دوم به بحث نابرابری در جامعه و در آخر نیز به پیامدهای جرائم خشونت آمیز پرداخته می‌شود.

توسعه، مفهومی چندوجهی است و به زبان ساده، گذار جامعه از مرحله‌ای به مرحله بالاتر را شامل می‌شود. در فرآیند توسعه، برخورداری آحاد جامعه از حقوق برابر (حقوق شهروندی) و آزادی، از پیش‌شرط‌های آن به حساب می‌آید (لطیفی، ۱۳۸۸: ۷۴). می‌توان گفت از دهه هفتاد توسعه، معنی صرف اقتصادی خود را از دست داد و لزوم چند جانی بودن و

در جمع‌بندی از مرور منابع تجربی باید گفت در این تحقیقات اثر نابرابری و توسعه بر میزان جرائم خشن مورد توجه قرار گرفته است. اما هر یک از این تحقیقات، شاخص‌ها و معرف‌های متفاوت از دیگری را به کار گرفته‌اند. هرچند در این تحقیقات موضوع نابرابری در توسعه مورد توجه قرار گرفته، اما نابرابری در توسعه فرهنگی تا حدودی مغفول مانده است و تنها اثرات توسعه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین همان‌گونه که ماهیت جرم با توسعه یافته‌تر شدن جامعه تغییر می‌کند، این تحقیقات نیز این رابطه را نشان داده‌اند و به نوعی مدعی هستند که بین جرم و توسعه رابطه معکوسی وجود دارد.

بنابراین جامعه‌شناسان از آغاز پیدایش جامعه‌شناسی، به مسأله نابرابری توجه نشان داده‌اند. نابرابری موضوع اصلی تمام آثار مارکس است. بیشتر مردم پرسش‌هایی درباره نابرابری مطرح می‌کنند و افرادی که در جست‌وجوی دنیای عاقلانه هستند، تقریباً همیشه آن را منبع بی‌عدالتی می‌شمارند. نابرابری اجتماعی یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات هر جامعه است و خیلی از مشکلات و مسائل دیگر ریشه در آن دارند. فقر، بدبختی و فشارهای روانی از پیامدهای جزئی و فرعی آن و فساد، تبه‌کاری و خشونت از پیامدهای اصلی آن هستند، هر یک از این‌ها تهدیدی برای بقا و دوام یک جامعه و نظم اجتماعی آن به‌شمار می‌رود (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۷). بر اساس این مسنر معتقد است که نابرابری بیشتر یک منبع تضاد است. او همچنین فکر می‌کند که نابرابری سرانجام بین کسانی که خواهان کاهش آن هستند و آن‌ها که نفع شخصی‌شان حفظ نابرابری است، شکاف تولید می‌کند. نابرابری می‌تواند از طریق ایجاد تضاد توزیعی تبدیل به خصومت کلی و انتشاری شود و به شکل جرم و جنایت تجلی نماید (زارع و زندی لک، ۱۳۹۰: ۱۰۲). این امر فشار ساختاری ایجاد می‌کند که نتیجه آن فراهم آوردن تمایل به تولید خشم و خشونت انتشاری است که نتیجه عوامل نابسامانی اجتماعی و توزیع نابرابری ساختاری در بین مناطق یک کشور است. دورکیم نیز برای اولین بار از دو نوع نابرابری (درونی و بیرونی) نام می‌برد. منظور از نابرابری بیرونی توزیع جمعیت در مواضع مختلف اجتماعی بر اساس خصایل محولی است. هرگونه نابرابری اجتماعی که ناشی از توزیع خاص‌گرا باشد، نوعی نابرابری بیرونی است (یوسفوند و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۹). از نظر دورکیم نابرابری بیرونی که بر اساس شرایط اجتماعی تولد بر افراد تحمیل می‌شود ریشه‌های اجتماعی جرم را به وجود می‌آورد (زارع و زندی لک، ۱۳۹۰). بنابراین میل به موفقیت و برتری و علاقه به کسب قدرت و اهمیت از تمایلات طبیعی بشر است. حال اگر فردی در جامعه احساس کند که در شرایط ناعادلانه قرار دارد، دست به اعمالی می‌زند که در خلال آن بتواند خود را نشان دهد و برای دست‌یابی به حقی که برای او در نظر گرفته نشده، به سوی جرم کشیده می‌شود. در این حالت فرد، به امکانات و پاداش‌هایی که احساس می‌کند از او گرفته‌شده، متمرکز می‌شود و دست به جرم و جنایت می‌زند (سیرافراز و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۵۶).

این در حالی است که در مهروموم‌های اخیر موضوع جرائم خشن کانون توجه بسیاری از اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی قرار گرفته است. بر اساس این و برخلاف دیدگاه اولیه، رویکردهای جامعه‌شناختی در تبیین جرم به عوامل و شرایط اجتماعی و فرهنگی توجه زیادتری می‌نمایند. در این راستا دورکیم از اولین کسانی بود که با اتخاذ یک رویکرد جامعه‌شناختی اقدام به تبیین پدیده جرم کرد. برای همین وی تعداد و شدت فعالیت‌های مجرمانه را در یک جامعه، مرتبط با قدرت و وسعت عاملی اجتماعی به نام وجدان جمعی می‌دانست. از نظر

پوشش ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی در کنار بعد اقتصادی را نیز دربرگرفت. بنابراین درحالی که طی قرن حاضر، مدت‌ها اقتصاد، محور اصلی توسعه را تشکیل می‌داد و برنامه ریزان اقتصادی توسعه زمینه‌های اجتماعی و ازجمله توسعه فرهنگی را عملاً از نظر دور می‌داشتند. توجه بیش‌ازحد، به جنبه اقتصادی توسعه، سبب شد که در جامعه‌های پیشرفته صنعتی تعادل زیستی با مسائل و بن‌بست‌هایی مواجه گردد و از سوی دیگر الگوی توسعه اقتصادی این کشورها ناآگاهانه به‌وسیله بعضی کشورهای رو به توسعه به کار بسته شود و نتایج منفی به لحاظ توسعه هماهنگ و همبسته آن کشورها به بار آید (صبوری و امیرشاهی، ۱۳۸۶: ۲۶). بر اساس این، صاحب‌نظران کلاسیک علوم اجتماعی که تصور می‌کردند پیشرفت جامعه انسانی در گرو رشد و توسعه اقتصادی است، بعداً ملاحظه کردند که در کنار رشد و توسعه اقتصادی، جامعه نیازمند برخی ضروریات دیگر، ازجمله توزیع عادلانه درآمدها، شکوفایی استعدادها، گوناگون و شخصیت انسانی، سلامت جسمانی و روانی، افزایش امید به زندگی، برقراری برابری‌های اجتماعی، تحقق آزادی، برقراری ارتباطات انسانی- اجتماعی به دور از انواع سلطه و به‌طورکلی، تحقق یک جامعه مدنی و انسانی است. از این‌رو، امروزه گفته می‌شود تمامی انواع توسعه وسایلی هستند برای تحقق یک جامعه مدنی انسانی. چنین جامعه‌ای را می‌توان یک جامعه توسعه‌یافته در معنای واقعی آن به شمار آورد (بابایی فرد، ۱۳۸۹: ۸). به همین دلیل مایکل تودارو^۱ معتقد است که توسعه را باید جریانی چندبعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به‌سوی وضع یا حالی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد (تودارو، ۱۳۶۶: ۱۳۵).

از طرفی در رابطه با متغیرهای مرتبط با توسعه، نابرابری قطعاً عاملیست که بیشترین توجه را به خود جلب کرده است. برای مثال چیو و مادن^۲ (۱۹۹۸)، اخیراً مدلی را توسعه بخشیده‌اند که عوامل تعیین‌کننده نرخ سرقت را با تمرکز بر مبحث افزایش انواع نابرابری که منجر به افزایش جرم و جنایت می‌شود، تحلیل می‌کنند (رودریگو، ۲۰۰۴). بر اساس این راندل کالینز^۳ متذکر می‌شود که پرسش‌هایی نظیر نابرابری، ممکن است جواب‌های روشن و ساده نداشته باشد؛ زیرا نابرابری یکی از مأنوس‌ترین حقایق زندگی است و حتی برای سطحی‌نگرترین ناظران امری بدیهی است. با وجود این، نابرابری مسأله‌ای نیست که به‌سادگی حل یا تبیین شود (گرب، ۱۳۹۴: ۱۱).

³ Randal Collins

¹ Michael Todaro

² Chiu and Madden

در ارتباط با متغیرهای تحقیق استفاده شده است. در این پژوهش سطوح تحلیل در سطح کلان می‌باشد و واحد تحلیل استان‌های کشور (۳۱ استان) را دربرمی‌گیرد. بعد از اینکه داده‌ها جمع‌آوری و وارد نرم‌افزار شدند و بعد از بررسی اعتبار و پایایی آن‌ها با استفاده از نرم‌افزار PLS، به تحلیل داده‌ها پرداخته شد و رابطه متغیرها با هم بررسی شدند که در ادامه، نتایج، ارائه شده است.

مفاهیم و شاخص‌های مربوط به متغیرها

نابرابری در توسعه فرهنگی: در باب تعریف توسعه فرهنگی می‌توان گفت: فرآیند ارتقا و اعتلای شؤن گوناگون فرهنگ جامعه در راستای اهداف و مقاصد مطلوب را توسعه فرهنگی می‌نامند که بستر و زمینه مناسب را برای رشد و تعالی انسان‌ها فراهم می‌سازد (راد، ۱۳۸۲: ۶۸). از طرفی نابرابری در توسعه فرهنگی نیز توزیع ناعادلانه امکانات و فرصت‌های فرهنگی برای تمام شهروندان است (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵).

برای سنجش سطح توسعه‌یافتگی فرهنگی بعد از شاخص-سازي پنج شاخص عمده شناسایی شدند^۱. این پنج شاخص عبارت‌اند از: شاخص آموزش عالی، شاخص ارتباطات فرهنگی، شاخص آموزش سطح متوسط، شاخص عدالت فرهنگی و شاخص کالاها و خدمات فرهنگی.

شاخص آموزش عالی به‌وسیله تعداد دانشجویان هر استان برحسب جمعیت که در مراکز آموزش عالی مشغول بودند، سنجیده شده است.

شاخص ارتباطات فرهنگی به وسیله تعداد گردشگران داخلی و خارجی واردشده به هر استان سنجش شد و درنهایت شاخص ارتباطات فرهنگی نام‌گذاری شد.

شاخص آموزش سطح متوسط به وسیله تعداد سوادآموزان (نهضت سوادآموزی) و آموزش دیدگان فنی و حرفه‌ای در هر استان سنجیده شد.

شاخص عدالت فرهنگی یعنی دسترسی برابر به امکانات و خدمات فرهنگی است. لذا این شاخص برحسب تعداد کتاب-خانه‌های موجود در هر استان برحسب جمعیت و تعداد تأسیسات ورزشی برحسب جمعیت سنجیده شده است.

شاخص کالاها و خدمات فرهنگی به وسیله تعداد مطبوعات و نشریات، فیلم، نمایش اجراشده، موسیقی اجراشده، موزه‌ها و بناهای تاریخی و اماکن مذهبی، تعداد سینما، ظرفیت سالن‌های نمایش، نمایشگاه‌های کتاب و تالار عملیاتی شده است.

وی، اگر این نیرو در جامعه‌ای قوی‌تر باشد، تعداد رفتارهایی که یک فرمان اجتماعی یا یک ممنوعیت را زیر پا می‌گذارند بیشتر می‌شوند (آرون، ۱۳۸۲: ۳۷۰). از این رو طبق نظر دورکیم در تمام جوامع همواره درصدی از افراد تابع قانون نیستند و به همین جهت در همه جوامع نیاز به مجازات و زندان داریم. اما اگر این درصد از حد طبیعی خود فراتر رود، جامعه با مشکلات جدی روبه‌رو می‌شود. این جرائم اگرچه از نظر کمی حائز اهمیت نیستند، اما از نظر کیفی بسیار بااهمیت‌اند؛ چراکه ارتکاب آن‌ها اثرات درازمدتی بر روی کسانی که به‌نوعی با آن‌ها در ارتباط‌اند و حتی بر روی آحاد جامعه و افراد دورتر بر جای می‌گذارد. بر اساس این، وظیفه اساسی هر جامعه و فرهنگی، ایجاد یک محیط برابر و همگام برای کلیه افراد می‌باشد تا بتواند پاسخ‌گوی مشکلات جاری و رایج جامعه باشد. مسلماً ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی متناسب با شرایط جامعه، می‌تواند پاسخ‌گوی مشکلات موجود باشد. با توجه به اهمیت بنیادین فرهنگ و نقش آن در جهان امروز و تأکید صاحب‌نظران و سازمان‌های فرهنگی در دهه‌های اخیر و همچنین با توجه به خلأهای اخلاقی و فرهنگی موجود، توسعه فرهنگی در دنیای کنونی ضروری و گریزناپذیر به نظر می‌رسد؛ زیرا که نابرابری در این سطح از توسعه می‌تواند اثرات زیان‌باری برای جامعه داشته باشد که یکی از این اثرات می‌تواند تخطی از هنجارها و نقض آن‌ها در جامعه باشد. بنابراین می‌توان با اسناد و گزارش‌های اداره جرم و مواد مخدر سازمان ملل با همکاری سایر نهادهای بین‌المللی از جمله بانک جهانی که به موضوع جرم و توسعه در برخی مناطق جهان که از میزان جرم بالایی برخوردار بوده‌اند، استناد کرد. به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۰۵، جرم و توسعه در آفریقا، در سال ۲۰۰۷، جرم و توسعه در آمریکای مرکزی و در سال ۲۰۰۸، نیز گزارشی از اثر جرم بر منطقه بالکان (اروپای جنوب شرقی) منتشر شده است که محتوای مشترک این گزارش‌ها تقابل معنادار جرم و توسعه بر یکدیگر و تأثیر منفی جرم و به‌ویژه جرائم سازمان‌یافته بر همه شاخص‌های توسعه از جمله (توسعه فرهنگی) است.

رضیه‌های تحقیق

هرچه سطح توسعه‌یافتگی فرهنگی بیشتر باشد، میزان جرائم خشن کم‌تر می‌شود.

به نظر می‌رسد نابرابری در توسعه فرهنگی با میزان جرائم خشن ارتباط مثبت دارد.

روش تحقیق

روش‌های تحقیق، متعدد و متفاوت‌اند؛ بر همین اساس، روش تحقیق این پژوهش تحلیل ثانویه است که با استفاده از آمارها به انجام رسیده است. با توجه به ماهیت کمی روش مورد استفاده در پژوهش، از داده‌های سرشماری و سال‌نامه‌های آماری و همچنین از آمارهای نیروی انتظامی در مورد استان‌ها

^۱ این شاخص‌ها برگرفته از شاخص‌های راهبردی است که توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی توسط کارگروه تدوین شاخص‌های فرهنگی در مهرماه ۱۳۸۹ طراحی شده‌اند، برگرفته شده است.

جرائم خشونت آمیز

آدم‌ربایی، سقط‌جنین، جرائم جنسی به عنف و اکراه، زورگیری و سرقت مسلحانه است. خشونت زمانی روی می‌دهد که تعادل بین فشارها و مهار درونی درهم می‌شکند (مهاجرپور و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۴). در این تحقیق برای عملیاتی کردن جرائم خشن از آمار ارائه‌شده (ستاد فرماندهی نیروی انتظامی) و همچنین تعداد پرونده‌های تشکیل‌شده در نیروی انتظامی استفاده شده است.

یافته‌ها

در این پژوهش به دنبال ارتباط بین نابرابری در توسعه فرهنگی و جرائم خشونت‌آمیز در بین استان‌های ایران هستیم. از اطلاعات آماری که در این زمینه در ایران وجود داشت، برای تبیین این رابطه استفاده شده است.

جدول ۳. نتایج نهایی حاصل از رتبه‌بندی توسعه فرهنگی استان‌ها و جرائم خشونت‌آمیز^۱

مفاهیم مقوله	سطح خیلی بالا	سطح بالا	سطح متوسط	سطح پایین	سطح خیلی پایین
توسعه فرهنگی	آذربایجان شرقی، سمنان، یزد، اصفهان، تهران، مرکزی، فارس	قزوین، مازندران، گیلان، خوزستان، قم، خراسان-رضوی، زنجان	خراسان جنوبی، اردبیل، خراسان شمالی، کرمان، - کرمانشاه، بوشهر، هرمزگان	همدان، آذربایجان غربی، چارمهال و بختیاری	لرستان، گلستان، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان، ایلام
جرائم خشونت‌آمیز	سمنان، قم، تهران، خراسان-رضوی، یزد، اصفهان	چهارمحال و بختیاری، اردبیل، خراسان جنوبی	آذربایجان شرقی، فارس، گلستان، همدان، قزوین، - هرمزگان، مرکزی، گیلان	خراسان شمالی، خوزستان، کرمانشاه، کرمان، زنجان، آذربایجان غربی	بوشهر، مازندران، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، لرستان، سیستان و بلوچستان، کردستان

مأخذ: محاسبات نگارندگان

به اینکه مجموع جرائم، محاسبه شده است، این استان‌ها جرائم خشونت‌آمیز کم‌تری را دارا هستند.

بررسی برازش مدل

در مدل‌های PLS دو مدل آزمون می‌شود. مدل اول مدل بیرونی است که هم‌ارز مدل اندازه‌گیری و مدل دوم، مدل درونی است که هم‌ارز مدل ساختاری، در مدل‌های مبتنی بر کواریانس می‌باشد. بنابراین در مرحله اول مدل اندازه‌گیری از طریق تحلیل روابی و پایایی بررسی می‌شود، سپس در دومین مرحله، مدل ساختاری به‌وسیله برآورد ضریب مسیر بین متغیرها و تعیین شاخص‌های برازش مدل آزمون می‌گردد. برای سنجش

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول ۳، استان‌های آذربایجان شرقی، سمنان، یزد، اصفهان، تهران، مرکزی و فارس به ترتیب توسعه‌یافته‌ترین و استان‌های لرستان، گلستان، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان و ایلام نیز به ترتیب کم‌توسعه‌یافته‌ترین استان‌های ایران هستند. همچنین اطلاعات همین جدول نشان می‌دهد که استان‌های سمنان، قم، تهران، خراسان رضوی، یزد و اصفهان در مجموع دارای جرائم خشونت‌آمیز بالاتری هستند و استان‌های بوشهر، مازندران، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، لرستان، سیستان و بلوچستان و کردستان به ترتیب کم‌ترین میزان جرائم خشونت‌آمیز را دارا می‌باشند. اگرچه آمارها نشان از جرائم بیشتری در استان‌هایی مانند ایلام و کهگیلویه و بویراحمد دارند، اما در این جا با توجه

^۱ بوده است و از طرفی میزان پرونده‌های مختومه و مطروحه در دادگاه‌ها در استان آذربایجان شرقی و قتل، سرقت، خودکشی براساس آمارها کم‌تر اتفاق افتاده است که این خود نشان‌دهنده رابطه توسعه فرهنگی با میزان جرائم خشونت‌آمیز است.

^۱ برای درک بهتر جدول بالا می‌توان گفت که برای مثال سطح توسعه فرهنگی در استان آذربایجان شرقی تعداد باسودان به‌عنوان یک شاخص فرهنگی ۲۷۶۷۶۳۲ نفر، کتاب‌های موجود در کانون پرورش فکری ۲۱۲۶۳۹ بوده، بازدیدکنندگان موزه‌ها و بناها ۱۰۴۵۸۱۸، تعداد اماکن مذهبی ۷۵۷۳، تعداد تئاترهای اجرا شده ۱۱۵۴ بوده است که در طیف سطح‌بندی به نسبت جمعیت، نشان‌دهنده سطح توسعه فرهنگی بالاتری

استخراج شده (AVE) بزرگتر از ۰/۵ باشد. البته مکنز و همکاران (۱۹۹۶) مقدار ۰/۴ به بالا را برای AVE کافی دانسته‌اند. مقدار AVE نشان می‌دهد چه میزان از واریانس مجموعه متغیرهای مشاهده شده توسط متغیر پنهان ساخت شده تبیین می‌شود به علت بالا بودن مقادیر پایایی مرکب که برای همه شاخص‌ها بالای ۰/۶ است مشکلی در ادامه کار پیش نمی‌آید. در ضمن برای اصلاح مدل سؤالات نتایج به دست آمده در (جدول ۴) گزارش شده حاکی از قابل قبول بودن پایایی سازه می‌باشد.

فرضیه‌ها از دو مدل یکی برای ارزیابی فرضیه‌های فرعی و دومی برای ارزیابی فرضیه‌های اصلی استفاده شده است.

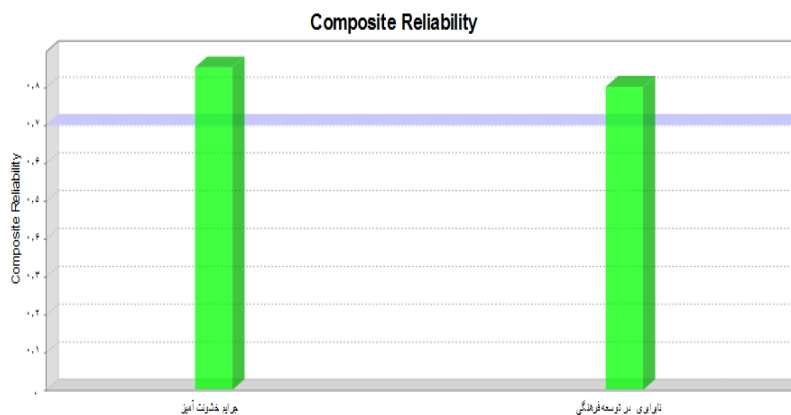
آزمون مدل بیرونی (مدل اندازه‌گیری): آزمون مدل بیرونی شامل بررسی پایایی و روایی سازه‌ها و ابزار پژوهش می‌باشد.

پایایی سازه

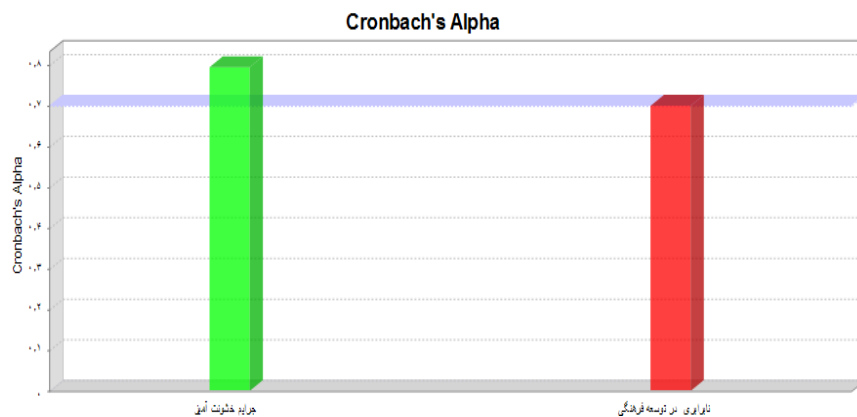
جهت بررسی پایایی سازه^۱ از سه شاخص پایایی مرکب^۲، متوسط واریانس استخراج شده^۳ و آلفای کرونباخ و بار عاملی^۴ استفاده می‌گردد. شرط برقراری پایایی سازه این است که مقادیر پایایی مرکب (CR) بزرگتر از ۰/۷ و مقادیر متوسط واریانس

جدول ۴. روایی سازه‌های تحقیق

مفاهیم	AVE	آلفای کرونباخ	پایایی مرکب
نابرابری در توسعه فرهنگی	۰/۴۵۳	۰/۷۰	۰/۸۰۱
جرایم خشونت‌آمیز	۰/۴۷۲	۰/۷۹۵	۰/۸۵۳



شکل ۱ پایایی. پایایی مرکب



شکل ۲ پایایی. آلفای کرونباخ

بر اساس نتایج جدول شماره (۵) سؤالات دارای بارهای عاملی قابل قبول هستند و استفاده از آنها در مدل منعی ندارد.

³ Average Variance Extracted

⁴ Factor Loading

¹ Construct Reliability

² Composite Reliability

(هالند ۱۹۹۹). مقدار ملاک مناسب برای ضرایب بارهای عاملی را بالاتر از ۰/۴۰ می‌داند.

جدول ۵. شماره بارهای عاملی

نابرابری در توسعه فرهنگی	جرائم خشونت آمیز	
۰/۷۸۰		آموزش سطح متوسط
۰/۵۹۸		آموزش عالی
	۰/۷۵۶	اجبار و اکرا
۰/۵۹۹		ارتباطات فرهنگی
	۰/۳۴۸	خودکشی
	۰/۴۰۷	خودکشی فوجی
	۰/۷۵۳	سرقت
	۰/۷۴۵	ضرب و جرح
۰/۸۰۶		عدالت فرهنگی
	۰/۸۵۶	قتل
	۰/۷۶۸	قتل عمد
۰/۵۳۹		کالاها و خدمات فرهنگی

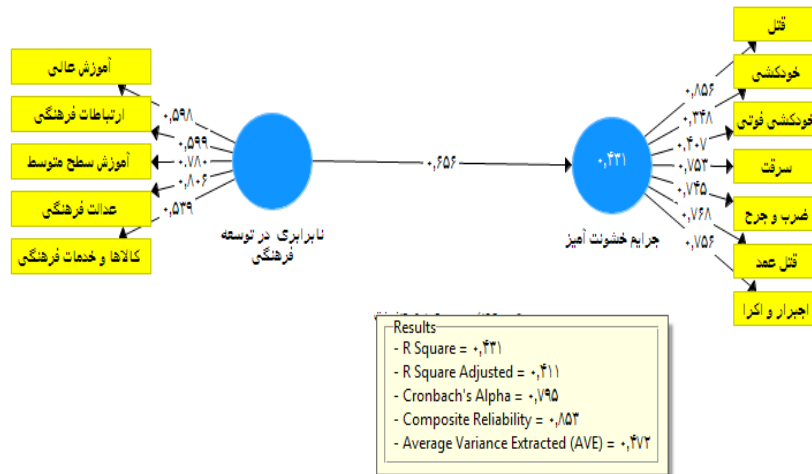
اندازه‌گیری کرده است. شرط برقراری روایی همگرا این است که مقادیر پایایی مرکب برای هر سازه از میانگین واریانس مستخرج آن بزرگ‌تر باشد (CR>AVE). مدل در صورتی روایی و آگرای قابل قبولی دارد که اعداد مندرج در قطر اصلی از مقادیر زیرین خود کم‌تر نباشند.

روایی سازه

برای بررسی روایی سازه دو نوع روایی، یعنی روایی همگرا و روایی و آگرا مورد بررسی قرار می‌گیرد. منظور از روایی همگرا این است که آیا گویه‌ها دقیقاً همان مفهومی را می‌سنجند که مورد نظر است. روایی و آگرا نیز بررسی می‌کند که گویه‌های مربوط به یک متغیر مکنون خاص تا چه اندازه سایر متغیرهای مکنون را

جدول ۶. همبستگی متغیرهای نهفته و ریشه دوم AVE

نابرابری در توسعه فرهنگی	جرائم خشونت آمیز	
۰/۶۵۶	۱	جرائم خشونت آمیز
۱	۰/۶۵۶	نابرابری در توسعه فرهنگی



شکل ۳. مدل اجرا شده همراه با بارهای عاملی و مقادیر (ابعاد اصلی)

کشور به‌وضوح میزانی از نابرابری در توسعه فرهنگی به چشم می‌خورد و به‌نوعی تمامی استان‌ها هم پای هم در زمینه توسعه رشد نمی‌کنند که این خود باعث بروز آسیب‌های فراوانی شده است. بنابراین این مقاله به درک بهتری از نابرابری در توسعه فرهنگی و میزان جرائم خشن در بین استان‌های کشور پرداخته است. برای سنجش این متغیرها در زمینه شاخص‌های توسعه فرهنگی از مرکز آمار اطلاعات دریافت و برای سنجش میزان جرائم خشن نیز از تعداد پرونده‌های موجود در زمینه جرائم خشن اطلاعات دریافت شد و سپس برای بررسی رابطه بین این متغیرها با استفاده از نرم‌افزار *pls* و *spss* به بررسی این متغیرها پرداخته شد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در مدل معادله ساختاری متغیرهای نابرابری در توسعه فرهنگی به‌طور مستقیم ۰/۶۵۳ بر جرائم خشونت‌آمیز اثرگذار بوده‌اند. در نهایت متغیر نابرابری در توسعه فرهنگی حدود ۰/۴۳۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته جرائم خشونت‌آمیز را تبیین می‌کند. بنابراین می‌توان گفت ضرایب بتا و تأثیر متغیرهای پنهان بیرونی بر متغیرهای پنهان درونی در همه موارد معنی‌دار بوده است. این نتایج نشان‌دهنده این امر است که نابرابری در توسعه فرهنگی در هر یک از استان‌های کشور می‌تواند میزان جرائم خشن را افزایش دهد. بنابراین افزایش نابرابری‌ها در هر جامعه می‌تواند آسیب‌های زیادی را به وجود آورد. به‌گونه‌ای که مسنر خود بیان می‌دارد که نابرابری خود می‌تواند یک منبع تضاد باشد. همچنین دورکیم نیز معتقد است که نابرابری می‌تواند انسجام ارگانیک در هر جامعه‌ای را از بین ببرد. از طرفی تحقیقات پیشین از جمله فلاندرز (۲۰۲۳) که جرم را یک عمل فرهنگی می‌داند و نقش فرهنگ را در پیشگیری از جرم مهم می‌داند، بنویت دی کورسون و دانیل نتل (۲۰۲۱) نشان دادند که نابرابری در همه

جهت بررسی پایایی سازه^۱ از سه شاخص پایایی مرکب^۲، آلفای کرنباخ، متوسط واریانس استخراج‌شده^۳ استفاده شده است. آن‌گونه که در نمودار شماره (۳) پیداست مقادیر پایایی مرکب آلفای کرنباخ ۰/۷۹۵ و متوسط واریانس استخراج‌شده ۰/۴۷۲ که این نشان از پایایی سازه است. همچنین مقادیر بالای پیکان‌ها به‌سوی متغیرهای مشاهده‌گر نشان‌دهنده بار عاملی آن‌هاست که اکثریت ابعاد مقدار آنان بیشتر از ۰/۴۰ می‌باشد. لذا نتایج حاکی از قابل قبول بودن پایایی سازه می‌باشد.

همچنین در شکل شماره (۳) عدد داخل دایره برای متغیرهای درون‌زا بیانگر ضریب مسیر و اعداد روی پیکان‌های به سمت آنان، نشان‌دهنده مقدار بتا است. در مدل معادله ساختاری متغیرهای نابرابری در توسعه فرهنگی به‌طور مستقیم ۰/۶۵۳ بر جرائم خشونت‌آمیز اثرگذار بوده‌اند؛ در نهایت متغیر نابرابری در توسعه فرهنگی حدود ۰/۴۳۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته جرائم خشونت‌آمیز را تبیین می‌کند. بنابراین می‌توان گفت ضرایب بتا و تأثیر متغیرهای پنهان بیرونی بر متغیرهای پنهان درونی در همه موارد معنی‌دار بوده است. این امر نشان‌دهنده تأیید منطق نظری به کار گرفته در پژوهش می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در حال حاضر یکی از اهداف مهم دولت‌ها توسعه همه‌جانبه جوامع است. بنابراین یکی از دغدغه‌های مهم هر دولتی رسیدن به سطح مطلوب توسعه در همه سطوح آن است. توسعه فرهنگی یکی از سطوح توسعه است که عدم پیشرفت بخش‌های فرهنگی و به‌نوعی توسعه فرهنگی می‌تواند اثرات زیان‌باری را برای هر جامعه‌ای به وجود آورد. در جامعه ایران و در بین استان‌های

³ Average Variance Extracted

¹ Construct Reliability

² Composite Reliability

معناداری وجود دارد. لذا دولت در زمینه کاهش میزان جرائم خش باید در سیاست‌گذاری‌های در وهله اول با توسعه متوازن، این نابرابری‌ها را از بین برده تا در نتیجه آن از میزان جرائم خشن کاسته شود. محدودیت اصلی این پژوهش دست-یابی خیلی سخت به آمارها از جمله آمارهای جرم بوده که در این زمینه از نهادهای مربوطه جهت سیاست‌گذاری‌های آتی و شناخت دقیق مسائل جامعه انتظار همکاری می‌رود.

تقدیر و تشکر

بنا به اظهار نویسنده مسؤول، این مقاله حامی مالی نداشته است.

سطوح توسعه موجب بالارفتن نرخ جرم و جنایت شده، شاه جهان پور (۱۳۹۶) که نشان داد که رابطه مثبتی بین نقش فرهنگ و جرم وجود دارد و همچنین مسعودی راد و همکاران (۱۳۹۹) که رابطه معکوس سرقت با توسعه اجتماعی و فرهنگی را مطرح کرده‌اند، با داده‌های این پژوهش همخوانی دارد. بر اساس این، سیاست‌گذاران در وهله اول باید به دنبال کاهش نابرابری در سطح جامعه باشند؛ چراکه در صورت کاهش نابرابری دیگر موارد مانند جرائم خشونت‌آمیز نیز می‌تواند روند کاهش را طی کند. به‌طورکلی و بر اساس داده‌های جمع‌آوری‌شده و چارچوب نظری این پژوهش می‌توان گفت که در بین استان‌های ایران، نابرابری در توسعه زیاد بوده و درواقع بین نابرابری در توسعه فرهنگی و میزان جرائم خشن، رابطه

منابع

- احمدی شاپورآبادی، محمدعلی (۱۳۸۸). «نگرشی بر آمایش فرهنگی سرزمین و جایگاه آن در برنامه‌ریزی توسعه فرهنگی». *فصلنامه راهبرد*. شماره ۱۸: ۸۸-۱۲۳.
- آرون، ریمون (۱۳۸۲). *مراحل سیر اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، چاپ ششم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- بابایی فرد، اسداله (۱۳۸۹). «*توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران*»، *رفاه اجتماعی*، دوره دهم، شماره ۳۷: ۵۶-۷.
- باقری میاب، محمدرضا (۱۳۸۱). *بررسی سیاست‌گذاری در مدیریت کلان فرهنگی ایران (شورای عالی انقلاب فرهنگی)*، [پایان‌نامه کارشناسی ارشد]، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- پناهی، حسین و ستار رستمی، همت (۱۳۹۶). «بررسی رابطه میان رشد اقتصادی و جرم: شواهدی از استان‌های ایران»، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال بیست و پنجم، شماره ۸۳: ۲۶۳-۲۳۹.
- تقوایی، مسعود و قائدرحمتی، صفر (۱۳۸۵). «تحلیل شاخص‌های توسعه فرهنگی استان‌های کشور»، *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، شماره ۷: ۱۳۲-۱۱۷.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۶). *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه: غلامعلی فرجادی، تهران: انتشارات سازمان برنامه‌و بودجه.
- حبیب‌پور گتایی، کرم و غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). «توسعه فرهنگی زنان (مطالعه موردی استان قم)»، *فصلنامه زن در فرهنگ و هنر*، دوره سوم، شماره ۲: ۷۷-۹۶.
- خداپرست مشهدی، مهدی و غفوری ساداتیه، ماندانا (۱۳۹۳). «بررسی ارتباط توسعه‌یافتگی و ارتکاب جرم در اقتصاد ایران»، *دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش و توسعه سابق)*، دوره جدید، سال بیست و یکم، شماره ۵: ۲۸-۴۴.
- راد، فیروز (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی توسعه فرهنگی*، تهران: انتشارات چاپخش.
- رایجیان اصلی، مهرداد و صادق، ولی اله (۱۳۹۴). «تقابل جرم و توسعه». *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره هفتم، شماره ۳: ۱۰۷-۸۳.
- رشیدپور، علی و آقاسی، سعید (۱۳۹۰). «ظرفیت‌سازی فرهنگی عامل کلیدی در راستای توسعه فرهنگی سیاسی»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، شماره ۹: ۱۳۹-۱۳۱.
- زارع، بیژن و زندی لک، علی‌اکبر (۱۳۹۰). «مطالعه رابطه سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی اجتماعی با میزان جرائم خشن در بین استان‌ها»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره پنجم، شماره ۳: ۹۷-۱۲۵.
- سراپی، محمدحسین؛ طاووسیان، علی، الله‌وردی، مرادعلی و رضایی، حجت (۱۳۹۴). «سطح‌بندی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی»، *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال پنجم، شماره ۲۰: ۲۸-۱۵.
- سریرافراز، محمد، سادات ملکیان، سمیه و فهیمی فر، فاطمه (۱۳۸۸). «پیشگیری از وقوع جرم و جنایت: بسترساز برقراری جامعه‌ایمن، تهران، دومین همایش جامعه‌ایمن شهر تهران.
- شاه جهان پور، سعید (۱۳۹۶). نقش فرهنگ در پیش‌گیری از جرم، *فصلنامه علمی حقوقی قانون یار*، دوره چهارم: ۶۲-۷۲.
- صبوری، احمد و امیرشاهی، شهرآشوب (۱۳۸۶). *توسعه فرهنگی (مجموعه مقالات)*، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- طهماسبی، فردین، میرزایی، خلیل و کامران، فریدون (۱۳۹۱). «عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس نابرابری‌های اجتماعی و پیامدهای آن‌ها در شهر تهران»، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۴: ۷۵-۱۰۰.
- عرب نژاد، فاطمه و یزدان پناه، لیلیا (۱۳۹۰). «*عوامل مرتبط با خشونت و سابقه آن در بین جوانان ۱۸-۳۵ سال زندان کرمان*»، *رفاه اجتماعی*، دوره یازدهم، شماره ۴۳: ۷۱-۹۵.

مهاجرپور، امیرمحمد، پوربابایی، شکوه، حشمتی، شیرین و صابری، سیدمهدی (۱۳۹۵). «فراوانی ارتکاب جرائم خشن ناشی از مصرف مواد محرک روان شیشه در مراجعه‌کنندگان به واحد معاینات روان‌پزشکی اداره کل پزشکی قانونی استان تهران در سال ۱۳۹۲»، *مجله پزشکی قانونی ایران*، دوره بیست و دوم، شماره ۲: ۱۰۹-۱۰۳.

وثوقی، منصور؛ آرام، هاشم و سلیمانی، گودرز (۱۳۹۱). «بررسی موانع ساختاری در جهت شکل‌گیری و ارتقای توسعه فرهنگی در ایران، چالش‌ها و راهکارها، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال چهارم، شماره سوم: ۸۱-۹۶.

یوسفوند، حسن رضا، احمدی، یعقوب، محسنی تبریزی، علی‌رضا و ابوالحسنی، اصغر (۱۳۹۴). «تبیین رابطه جرائم خشونت‌آمیز (قتل) با تأکید بر نابرابری در توسعه اقتصادی اجتماعی و در ایران»، *فصلنامه توسعه اجتماعی*، دوره نهم، شماره ۳: ۱۴۰-۱۱۵.

عطافر، علی و آقاسی، سعید (۱۳۹۱). «طراحی و ارائه مدل سنجش توسعه فرهنگی شهری بر اساس رویکردهای تفکر هوشمند و ظرفیت‌سازی فرهنگی (مطالعه موردی شهر اصفهان)»، *فصلنامه مطالعات شهری*، سال دوم، شماره ۴: ۱۱۱-۱۴۲.

گرب، ادوارد (۱۳۹۴). *نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر*، ترجمه محمدسیاهپوش، تهران: انتشارات نشر معاصر.

گودرزی، سعید، ربیعی، علی، زاهدی مازندرانی، محمدجواد و نقدی، اسداله (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر نابرابری‌های منطقه‌ای بر امنیت عینی استان‌های کشور»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره ۴۵: ۳۱-۱.

لطیفی، غلامرضا (۱۳۸۸). *دیدگاه‌هایی از توسعه، کتاب ماه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰: ۷۴-۸۵.

مسعودی راد، ماندانا؛ باجولوند، روح اله و قاسمی، نبی اله (۱۳۹۹). «بررسی رابطه شاخص‌های توسعه با ناهنجاری‌های اجتماعی (جرم و سرقت) استان لرستان» *فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی*، سال اول، شماره ۲: ۷۵-۸۹.

- United Nations Office on Drugs and crime (2005). crime and development in Africa, United Nations publication.
- United Nations Office on Drugs and crime (2007). crime and development in central America, United Nations publication.
- Patterson, E. (1991). Poverty, Income Inequality and Community crime Rates, *Criminology*, 29(4), 755-776.
- Rodrigo, R.S., (2004). Development, Crime and punishment: accounting for the international differences in crime raite, *Journal od Development Economics*, 73, 155-184.
- De Courson, B., and Nettle, D., (2023). Why do inequality and deprivation produce high crime and low trust, *Scientifc Reports*,
<https://doi.org/10.1038/s41598-020-80897-8>.
- [Sugiharti](#),I., [Purwono](#), R., [Angel Esquivias](#), M and [Rohmawati](#), H.(2023). The Nexus between Crime Rates, Poverty, and Income Inequality: A Case Study of Indonesia, *Economies*, Vol11, N.62.
- [Flanders](#)., R.D. (2023). The crime-culture connection in a crime fact story: An applied approach, *Cogent Social Sciences*, N. 9, 1-26.
- [Soares](#)., R (2004). Development, crime and punishment: accounting for the international differences in crime rates, [Journal of Development Economics](#), vol. 73, issue 1, 155-184